

اصول و اهداف تربیت عرفانی دوره جوانی، مبتنی بر مبانی انسان‌شناختی علامه حسن‌زاده‌آملی

DIO: <https://doi.org/10.22070/tlr.2022.15798.1220>

محمد دارایی^{۱*}، محسن فرمهینی فراهانی^۲، رقیه موسوی^۳

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

چکیده

تربیت عرفانی عمیق‌ترین و باطنی‌ترین خوانش از تربیت دینی محسوب می‌شود که در آن سالک با معرفتی عمیق و باطنی و تزکیه‌ای خالص از روی صدق و عشق، به دنبال کشف حقیقتی یگانه و اتصالی دائمی به این حقیقت است. علامه حسن‌زاده انسان را که مظهر اسم جامع الله است، حقیقتی واحد می‌داند که بدنش مرتبه‌ی نازل‌ی اوست که یک هویت و شخصیت بیش ندارد که از آن به من و أنا و مانند آن تعبیر می‌کنند. او راه وصول به این حقیقت یگانه را معرفت نفس می‌داند. این تحقیق در پی تبیین اهداف و اصول تربیت عرفانی است که مدعی ارائه یقینی‌ترین راه دستیابی به حقیقت و عالی‌ترین نوع معنویت است. در این پژوهش با کمک تکنیک اسنادی و تحلیل مفهومی، مبانی نوع یک و مبانی نوع دو مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن‌زاده مشخص شده‌اند؛ سپس با استفاده از روش استنتاجی (روش بازسازی شده فرانکنا) و بکار بردن سه قیاس عملی، هدف غایی، اهداف میانی و اصول تربیت عرفانی مشخص شده‌اند. هدف غایی تربیت عرفانی «فنا فی الله و بقای بالله» است. و تعدادی از مهمترین اهداف میانی تربیت عرفانی، معرفت به خدا، پرورش مزاج شایسته، سلامت روح و جسم، تقویت نفس ناطقه، حضور تام در محضر خدا، به فعلیت رساندن دو قوه نظری و عملی انسان، سیر صعودی دائمی، کسب رزق معنوی برای سیر و سلوک، و شناخت و تبعیت از انسان کامل است. همچنین از معرفت النفس، اعتدال، فقرزداپی، تمنا و طلب، تجلیه، تخلیه، ادب مع الله، استکمال تدریجی و ولایت‌مداری به عنوان برخی از مهم‌ترین اصول تربیت عرفانی می‌توان نام برد.

نشریه علمی

پژوهش‌های آموزش و یادگیری

دوره ۱۸، شماره ۱، پیاپی ۳۳
بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص: ۱۱۵-۱۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

مقاله پژوهشی

Journal of

Training & Learning Researches

Vol.18, No. 1, Serial 33

Spring & Summer
2021

pp.: 101-115

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی عرفانی، تربیت عرفانی، اهداف تربیتی، اصول تربیتی، جوانی

*Email: farmahinifar@yahoo.com

مقدمه

جایگاه مقدس تعلیم و تربیت، سیرت حسنه سفیران خداوند است که برای تشکیل مدینه فاضله و اعتلای نفوس به فهم معارف ملکوتی و ارتقای عقل‌ها به معارج قدس ربوبی، مبعوث شده‌اند. آن‌چنان‌که در حالات خاص خودشان در مقام دعا از خداوند سبحان، ارسال معلم ربانی را برای ترکیب و تعلیم انسان‌ها خواسته‌اند. این دعای حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) است که در قرآن کریم آمده است: «پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز، که آیات تو را بر آنان بخواند، و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد، و [از آلودگی‌های ظاهری و باطنی] پاکشان کند؛ زیرا تو توانای شکست‌ناپذیر و حکیمی» (بقره-۱۲۵)۱. و حق تعالی در استجاب دعایش فرموده است: «در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت می‌کند و نفوس شما را (از پلیدی جهل) پاک و منزّه می‌گرداند و به شما تعلیم کتاب و حکمت می‌دهد و آنچه را نمی‌دانید به شما می‌آموزد» (بقره-۱۵۱)۲ و نیز فرمود: «اوست که در میان مردم بی سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی‌های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه-۲)۳ [۱]

عرفان اسلامی جزء لاینفک فرهنگ بومی ما محسوب می‌شود؛ و عرفا میراثی بسیار ارزشمند از خود بجای گذاشته‌اند که نقش موثری در تربیت مسلمانان ایفا کرده- است. واژه "عرفان" کلمه‌ای کاملاً اسلامی است که از آن با تعبیر "برترین نوع معرفت نسبت به برترین نوع حقیقت هستی" یاد می‌کنند. عرفان در لغت به معنای شناختن است، و در اصطلاح، به شناختی از خداوند اطلاق می‌شود که از راه شهود درونی و دریافت باطنی حاصل می‌گردد [۲] این سینا در توضیح واژه عارف، با مقایسه آن با دو واژه زاهد و عابد می‌گوید: زاهد آن است که با دوری از دنیا در پی مطلوب خویش است و عابد کسی است که با توسل به عبادات، مقصد خود را می‌جوید، اما آن‌کس که به فکر خود یک‌سره به سوی عالم قدس متوجه باشد، درحالی که مدام

خواهان تابش نور حق در سر خود است، به اختصاص عارف نام دارد [۳] از نظر علامه عرفان علم انسان‌ساز است که در حقیقت عروج نفس به معرفت حق تعالی، و اعتلای آن به تخلّق به اخلاق ربوبی و تأدّب به آداب الهی است. جامعه بی‌عرفان، کالبد بی‌جان است. عرفان اصیل اسلامی را منطق وحی، اُعی قرآن مجید، حایز است. [۴]

از نظر علامه حسن‌زاده انسان مرکب از جسم و جان به ترکیب انضمامی نیست، بلکه انسان حقیقت واحدی است که بدنش مرتبه‌ی نازله‌ی اوست و یک هویت و شخصیت است که از آن به من و انا و مانند آنها تعبیر می‌کنند. [۵] در عرفان و فلسفه اسلامی از "انسان‌شناسی" به عنوان "معرفت نفس" یاد می‌کنند. علامه معتقد است معرفت نفس باب و دروازه بزرگ از جهان طبیعت به عوالم بیکران ماورای آن است و هرکس این معما را برای خود حل کند، اکثر معماهای عالم برای او حل خواهد شد. [۵] علامه مراحل معرفت نفس را چهار مرحله ادراکات مادی، تجرد برزخی، تجرد عقلی و فوق تجرد معرفی می‌کند. [۵]

بهشتی در یک تعریف تخصصی تربیت عرفانی را تربیتی می‌داند که مربی و متربی ضمن زندگی در میان مردم و اجتماعات انسانی و بهره‌مندی از لذات دنیوی با پیرایش نفس از رذائل و آلودگی‌های تن و روان و رهایی از دنیای حس و ماده با زهد و عبادت و عقل با در پیش گرفتن راه سعادت، خود را به فضائل بیاراید و با پشت سرگذاشتن مقامات و مراحل سلوک عرفانی به فنای فی‌الله و بقای بالله نائل گردد. در این تعریف، تربیت عرفانی فقط به متربی محدود نمی‌شود بلکه مربی را نیز در بر می‌گیرد؛ بنابراین خود پروری و دیگر پروری است. [۶] تربیت عرفانی یک جنبه عمومی و یک جنبه شخصی دارد؛ جنبه شخصی این نوع از تربیت باید متناسب با عوالم درونی انسان (عالم مادی، مثالی، عقلی و الهی) و تحت تربیت اختصاصی معلمی ربانی قرار گیرد. اما در تربیت عمومی که باید مقدمات رسیدن به آن تربیت متعالی را تامین کند، والبتنه موانع بسیاری برای عملی شدن در نظام آموزشی حاکم دارد.

نظام آموزشی فعلی ما متأثر از نظام‌های آموزشی غرب بخصوص در مرحله اجرا به دنبال مهارت پروری و حرفه-آموزی است لذا در مرحله علم حصولی (علم الیقین) متوقف مانده‌است و از علم حضوری محروم است؛ تلاش برای فهم تربیت عرفانی در حقیقت تلاش برای فهم علم حضوری در مرحله "عین الیقین" و بخصوص "حق الیقین" است که کسب این علوم می‌تواند دست بشر را در فهم درست حقیقت انسان و درنهایت، در درک حقیقت هستی که همان

۱ رَّبَّنَا إِنبَأْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۲ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

۳ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَنبَى ضَالِّينَ

توحید است کمک نماید. خداوند هستی را به صورت ترکیب پیچیده‌ای از عوامل غیب و شهاده آفریده؛ خلقت انسان نیز مشابه همین ترکیب پیچیده و گسترده است، و برای تربیت کامل این برترین مخلوق عالم، باید همه جنبه‌های وجودی او در نظر گرفته شود. با توجه به اهمیت و ابدیت نفس ناطقه که بزرگترین علمای اسلامی نیز به تجرد نفس ناطقه از ماده و احکام ماده‌اند قائلند؛ و نظر ائمه (علیهم السلام) نیز همین است. [۷]؛ باید برای تربیت این بخش متعالی انسان نیز تلاش کرد. علاوه بر این موارد، تربیت عرفانی نه تنها منافاتی با تربیت رسمی مدارس کنونی ندارد، بلکه علاوه بر آن که اهدافی والاتر و متعالی‌تر از تربیت رسمی دارد هم‌چنین با تقویت نفس ناطقه دانش‌آموزان می‌تواند تربیت رسمی را نیز ارتقاء دهد. خود علامه حسن-زاده نیز با تقویت نفس خویش در علوم مختلفی مانند ریاضیات، هندسه، نجوم، فقه، فلسفه، ادبیات، طب و... به مدارج بالایی دست‌یافته بود و ملقب به علامه ذوالفنون شد.

یکی دیگر از کارکردهای اساسی عرفان اسلامی تربیت عمیق معنوی است که در قالب تزکیه باعث اصلاح متریبان این مکتب تربیتی خواهد شد. بنابراین توجه به جایگاه معنویت حقیقی در نظام‌های آموزشی از ضرورت‌های این پژوهش است. هابرماس می‌گوید: «از پیامدهای دنیای مدرن، بروز بحران و عدم تعادل و توازن در زمینه‌های فرهنگی، اخلاقی و ارزش‌های معنوی است. انسان مدرن با اصالت دادن به رشد اقتصادی و مادی از معنویت و مذهب دور شده است و با انواع مخاطره‌ها و ناامنی‌ها، احساس بی-هویتی، تنهایی، خلاء معنوی و بداخلاقی مواجه شده است. تفکر مدرن با تقلیل دادن ادراکات به سطح ذهنی، کمی و تجربه پذیر، هرگونه ارتباط معنوی انسان و جهان هستی با مبدأ غیبی را نادیده می‌انگارد. [۸] در جهان امروز، چون گذشته، در شرق و غرب دیدگاه عقل‌گرای ارسطویی مبنا قرار گرفته و آموزش و پرورش‌هایی که زاینده چنین دیدگاهی است جهانگیر شده و «عقلانیت» حاکمیت یافته-است. در حالی که این دیدگاه نقضی مبنایی و بزرگ دارد و ناخودآگاه جهان را به سوی ماده‌گرایی حریصانه به پیش می‌برد. به جنبه ظاهری آموزش اصالت داده و از جنبه معنوی و تربیتی آن غافل مانده است. حتی نظریه‌های تعلیم و تربیت کلامی و دین‌مدار هم در سلطه دیدگاه عقل‌گرا اسیر مانده‌اند. درحالی که نظریه تعلیم و تربیت عرفانی این نقیصه‌ها را ندارد و می‌تواند نیازهای بشریت را در عرصه جهانی برآورده ساخته و به خوبی بر بحران‌های فردی و اجتماعی امروز غلبه نماید. [۹] البته موج معنویت‌گرایی بعنوان راه حلی برای حل بحران‌های انسان مدرن به‌خصوص

خلاءهای عاطفی و روانی در حال گسترش می‌باشد. درحقیقت عرفان‌واره‌ها می‌خواهند غم و غصه‌ها و ناکامی-های این انسان را مرتفع نمایند. امروزه در جهان غرب گرایش زیادی به ادیان شرقی به ویژه "بودائیسزم" و "ذن"^۱ پیدا شده است. گرایشی که بخش اعظم آن در جهت کاربردهای روان‌درمانی، آرامبخشی و به طور کلی تأمین بهداشت روانی می‌باشد. برای نمونه، «میلر» که از جمله نظریه پردازان معاصر در حوزه برنامه‌ریزی درسی می‌باشد، معتقد است که برنامه‌ی مراقبه‌ی برگرفته از آیین بودایی بایستی در مدارس البته در چارچوبی غیرمذهبی ارایه شود. [۱۰] از طرفی موج معنویت‌گرایی در جهان غرب در حال سربرآوردن است و از طرف دیگر در نظام آموزشی کشورمان، عدم شناخت صحیح و عمیق از معنویت اسلامی، عدم توجه به آثار معنویت در تربیت متریبان، نفوذ و گسترش عرفان‌واره‌ها و تبلیغ معنویت‌های کاذب در تربیت غیررسمی، احساس نیاز به تعریف و تبیین صحیح از معنویت اصیل دینی را در نظام آموزشی ایران ضروری می‌نماید؛

تحقیقات زیادی در خصوص عرفان انجام شده است اما در خصوص تربیت عرفانی تحقیقات تخصصی بسیار اندکی انجام شده است. شمشیری [۱۰] در مقاله‌ای با عنوان "جهانی‌شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم، پست-مدرنیسم و عرفان اسلامی" سعی کرده‌است به تبیین این دیدگاه که تربیت دینی مبتنی بر عرفان اسلامی به عنوان متناسب‌ترین رویکرد در مواجهه با جهانی‌شدن برای ایران و حتی سایر کشورهای جهان اسلام است، بپردازد. زینالی-خامنه [۱۱] در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان "اصول و روش‌های تربیت عرفانی در اندیشه‌های امام خمینی(ره)" با روش توصیفی-تحلیلی، به استنتاج نه اصل مرحله‌مندی، تقدم تخلیه بر تحلیله، خوف و رجا، اغتنام فرصت جوانی، پیروی دقیق از مرشد، ایمان، اخلاص، صبر، تسلیم می‌رسد. بهشتی [۱۲] در پژوهشی با عنوان "تبیین دیدگاه تربیت عرفانی بر مبنای آموزه‌های حکمت سینوی" سعی نموده با روش تحلیل محتوا، مفهوم، مبانی، مراحل، اصول، اهداف و روش‌های تربیت عرفانی از دیدگاه بوعلی‌سینا را تبیین نماید. قیصوری [۱۳] در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان "نقش تربیتی نفس از دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی" می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی نفس را از دیدگاه علامه تبیین کند. کوک [۱۴] در پژوهشی با عنوان «آموزش اسلام، آموزش عرفان اسلامی» این آموزش

¹ Zen

2 Davi d Cook

واقع‌نگر و نیز اهداف واسطه‌ای و اصول تربیتی در نظر گرفته خواهد شد.

بنابراین سوال اساسی این پژوهش چیستی اصول و اهداف تربیت عرفانی دوره جوانی، مبتنی بر مبانی انسانشناختی علامه حسن‌زاده‌آملی است.

سوالات پژوهش

۱. مبانی تربیت عرفانی مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن‌زاده‌آملی کدامند؟
۲. اهداف تربیت عرفانی مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن‌زاده‌آملی کدامند؟
۳. اصول تربیت عرفانی مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن‌زاده‌آملی کدامند؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر برای پاسخ به سوال یک، باید با استفاده از تکنیک‌های اسنادی و تحلیل مفهومی به مطالعه و جستجو در آثار نظری و عملی علامه مبادرت شود تا مبانی عام انسان‌شناختی علامه در دو سطح تبیین گردد. پس از استنباط مبانی نوع یک تربیت عرفانی که مبانی عام و آرمانی هستند و همچنین تعیین بایدهای حیاتی انسان عرفانی، با استفاده از روش استنتاج پیش‌رونده و در یک قیاس عملی، هدف غایی تربیت عرفانی تعیین شود. سپس خصوصیات و ویژگی‌های انسان در هر بعد تربیتی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد که در قیاس عملی دیگری با کمک هدف غایی، اهداف واسطه‌ای تربیت عرفانی استخراج می‌شود. و در نهایت با نظر به گزاره‌های واقع‌نگر مبانی نوع دوم و اهداف میانی، اصول و ملاحظات تربیتی استنتاج خواهد شد. بنابراین روش اصلی مورد استفاده در این پژوهش بخصوص برای پاسخ به سوالات دو و سه، روش استنتاج پیش‌رونده (روش بازسازی شده فرانکنا) است که روشی عقلانی و استدلالی با قدرت تبیینی و توجیهی بالاست و اعتبار برون‌دینی هم دارد.

یافته‌ها

مبانی تربیت عرفانی در دو حوزه طبیعی و بخصوص ماوراء طبیعی پرداخته و زمینه را برای تشکیل گزاره‌های تجویزی (اهداف، اصول و...) فراهم می‌آورد. در پاسخ به سوال اول به دو نوع مبانی تربیت عرفانی می‌رسیم؛ الف. مبانی نوع یک؛ این مبانی تأثیر خود را در تعیین ویژگی‌های اهداف اساسی تعلیم و تربیت آشکار می‌سازد. ب. مبانی نوع دوم؛ این مبانی تأثیر خود را در تعیین اصول تعلیم و تربیت آشکار می‌سازد. [۱۷] برطبق الگوی فرانکنا که توسط باقری بومی-

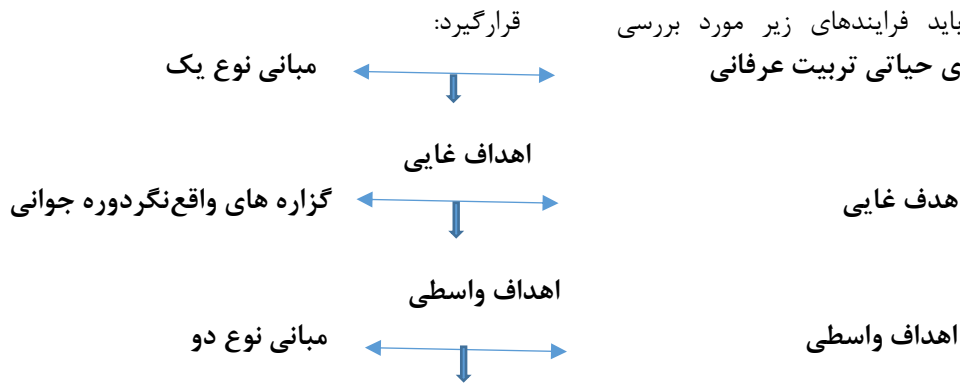
عرفانی را دارای پیچیدگی زیادی می‌داند. او در پرداختن به بحث تصوف، نه تنها به تحولات اصلی تاریخی، شخصیت‌های مقدس و آداب و رسوم آن توجه کرده (مثل، تصاویر خلاق و استعاره‌های غزالی، شعر جاودانه جلال‌الدین رومی، دیدگاه‌های عرفانی ابن‌العربی و...)، بلکه در مورد بحث‌های جنجالی این حوزه نیز دقت داشته است. (به عنوان مثال، آیا روش‌های مورد استفاده شخصیت‌های مقدس صوفیه واقعاً اسلامی است؟ آیا تفسیرهای خلاقانه و گاه پرشور متون مقدس که آنها تبلیغ می‌کنند فراتر از مرزهای توحید سختگیرانه است؟) علاوه بر این، این موضوع را مورد توجه قرار داده که چگونه تصوف وسیله‌ای برای گرویدن گسترده به اسلام فراهم کرده و زمینه‌ای خلاق برای هنر و فرهنگ اسلامی فراهم آورده است. کندی [۱۵] در مقاله «ویژگی‌های تجارب عرفانی و تأثیر مراقبه» سعی کرده است تا تعریف ماهیت، خصوصیات، طبقه بندی، تأثیر تجارب عرفانی و تأثیر مراقبه را ارائه کند. و نتیجه می‌گیرد که: برخی از نویسندگان تجربه عرفانی را مفهومی می‌دانند که می‌تواند لحظه به لحظه در روند پیشرفت حالات بالاتر آگاهی رخ دهد. برای آنها حالت اصلی آگاهی، "هوشیاری ناب" است و از این طریق این حالت‌های بالاتر آگاهی ایجاد می‌شود. مفهوم تجربیات عرفانی هرچه باشد، بی‌نظیر و بسیار فردگرایانه است. با این حال، نشان داد که برخی از الگوها پدید آمده‌اند که بر اساس آنها ویژگی‌های مشخصه تجربیات عرفانی معین شده است.

این پژوهش محدود به دوره جوانی است؛ این دوره از زندگی دوره‌ای بسیار پر اهمیت معروف به دوره وزارت^۴ در حدیث مشهور پیامبر اسلام می‌باشد؛ در این دوره با ترشحات هورمون‌های بلوغ، تحولات عمیقی در جسم و جان جوان شکل می‌گیرد. رفیعی می‌گوید: این مرحله دوره کارآموزی و تجربه در زندگی است. جوانی دوران بسیار حساس و خطرناکی است. این مرحله مهم‌ترین دوران خودسازی است. [۱۶] از آنجا که شکل‌گیری هر عمل اختیاری در انسان مبتنی بر سه امر شناخت، میل و انگیزه و عمل است لذا در این پژوهش سه بعد مذکور در تدوین گزاره‌های

1. Suneetha Kandi
2. Mystical Experiences
3. Meditation

^۴ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْوَلَدُ سِيدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ. فَإِنَّ رَضِيَتْ خَلَاتِقَهُ لِأَحَدٍ وَ عَشْرِينَ وَ إِلَّا فَاضْرِبْ عَلَى جَنْبِهِ قَدًّا أَعَذَّتْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى (بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵، ح ۴۲ و نیز وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۵)

سازی و تکمیل شده باید فرایندهای زیر مورد بررسی
باید های حیاتی تربیت عرفانی



اصول تربیتی

چنین با استناد به «آیه امانت»^۳ این مقام جمعی را به صورت بالقوه برای نوع انسان ثابت می‌داند. و معتقداند همه انسان‌ها امکان و استعداد جمع تمام حقایق اسمایی را دارند؛ ولی این قابلیت تنها در افرادی که از آنها به عنوان خلیفه و حجت خداوند یاد می‌شوند به فعلیت می‌رسد.

۲. **انسان ولی الله است:** ولایت به عامه و خاصه تقسیم می‌گردد، ولایت عامه شامل همه‌ی کسانی است که ایمان به خدا آورده برحسب مراتب خود عمل صالح انجام داده‌اند، چنان‌که، خدای تعالی فرمود: **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...** (بقره- ۲۵۸) (خدا کارساز کسانی است که گرویده‌اند). ولایت خاصه فقط شامل واصلان سلاک به هنگامی که در وی فانی و باقی به‌وی شدند می‌باشد، پس ولایت خاصه عبارت از فنای عبد در حقیقت، پس ولی فانی در خدا و باقی به خداست و مراد از فنا انعدام کلی عین عبد نیست، بلکه مراد فنای جهت بشریت در جهت ربانیت است، زیرا هر عبدی جهت از حضرت الهی دارد که: **وَ لِكُلِّ وُجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّیُّهَا** (بقره- ۱۴۹) (هر کس را سویی است که روی بدان می‌آورد). [۱۸]

۳. **انسان کمال عالم کیانی و غرض آن است:** عالم کارخانه عظیم انسان‌سازی است که اگر چنین انسان تولید نکند عبث در خلقت لازم آید، اما خلقت سایر مکونات به طفیل اوست... حاصل این که کمال عالم کیانی و غرض آن انسان است و مقصود از خلقت منحصر در انسان کامل است و خلقت سایر اکوان از جمادات و نباتات و حیوانات از جهت احتیاج به ایشان در معیشت و انتفاع به آنها در خدمت است. [۱۹]

می‌تواند تمام حضرات را در خود جمع کند. [۲۰] جامعیت انسان تا آن‌جا پیش رفته است که تا صقع ربوبی نیز راه داشته و حضرت اول را در خود

دارد و از این جهت موجودی حقانی خلقی است. [۲۱]

۳ **أَتَاعَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ** (احزاب ۷۲)

مبانی انسان‌شناختی نوع یک

مبانی نوع یک شامل گزاره‌هایی در سه حیطة هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی است که هدف و مفهوم اساسی آموزش و پرورش عرفانی را مشخص می‌کند. با توجه به محدودیت‌های پژوهش در اینجا فقط مبانی انسان‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مبانی باید بتوانند والاترین هدف انسانی را تبیین کنند و نشان-دهنده جایگاه انسان کامل‌ند؛ زیرا ارزش انسان کامل بخاطر رسیدن به عالی‌ترین هدف است. تحقق هدف غایی تربیت-عرفانی در گرو قبول واقعیت‌هایی است که در اینجا با عبارت «مبانی انسان‌شناختی نوع یک» مطرح می‌شوند و عبارت‌اند از:

۱. انسان جامع تمام حقایق است:

انسان جامع حقایق عالم و مفرداتش می‌باشد. مراد از حقایق، مظاهر جمالی و جلالی‌اند و مراد از مفردات موجودات خارجی. حقایق، اعیان ثابت‌هی عالمند و مفردات، موجودات خارجیه‌ی عینی. پس انسان واجد مقام احدیت جمع است علماً و عملاً، که حق جل‌وعلا درباره‌ی آدم فرمود: **وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا**^۱. و بدیهی است که مراد از تعلیم اسماء تنها تعلیم الفاظ دال بر معانی نیست زیرا که این نحوه تعلیم مخصوص فرا گرفتن لغات است. لغت-دانستن، علمی نیست که آدم به آن بر ملائکه تفاخر کند و بر آنها برتری داشته باشد بلکه مراد به اسماء، حقایق مخلوقات است که در عالم جبروت واقعند. آن‌چنان‌که مخلوقات سایه‌ی اصل خودند، **إِذَا كَانَ الْعَقْلُ كَانِ الْأَشْيَاءِ**. زیرا عقل مجمع و مخزن همه‌ی موجودات مادون خود است.^۲ [۱۸] علامه حسن‌زاده در جای‌جای آثارش و هم-

۱ اسم‌ها را همگی به آدم بیاموخت. (بقره- ۳۲)

۲ حقیقت انسان، تمام حقایق را در خود جمع کرده است. در میان

موجودات، تنها انسان است که در عین اینکه از اکوان (ماسوی الله) است،

برتر و اشرف از دیگر علم‌هاست. [۲۴] آرامش و طمانینه: علامه آرامش را با برخورداری از علوم الهی و صاحب سیر بودن پیوند داده چنین فردی را دارای ثقل و سنگینی و آرامش می‌داند: بدان‌که چون سفینه را مثقلات باشد آرام است و اگر خالی باشد از برخاستن موج و وزیدن باد نآرام. کشتی نفس اگر حامل مثقلات حقایق علوم و اسرار باشد مطمئن است و گرنه مضطرب. [۲۳] در خصوص کمال: عرفان با معرفی اصطلاح «انسان کامل» تعریف بسیار والایی از انسان ارائه می‌کند که می‌تواند تربیت همه‌جانبه نوع انسان را دست‌یافتنی نماید. علامه انسان کاملی را توصیف و پیروی می‌کند که همه آثار تربیتی، منشعب از اوست و باید راهنما و الگوی تربیتی قرارگیرد. از جمله ویژگی‌های این انسان کامل، مظهر تمام و کمال اسم شریف (ولی‌الله) است، که می‌تواند به اذن‌الله در ماده کائنات تصرف کند و قوای ارضیه و سماویه را در تحت تسخیر خویش درآورد. [۱۹] از دیگر ویژگی‌های انسان کامل مقام خلیفه‌اللهی است، و خلیفه باید به صفات مستخلف‌عنه و در حکم او باشد و گرنه خلیفه‌ی او نیست. و این‌که بقای تمام عالم به بقای انسان کامل است. [۱۹] و علامه حسن زاده آملی معتقد است که همه به این مسیر دعوت شده‌اند و توانایی رسیدن به مرتبه انسان کامل را دارند. استنتاج هدف غایی: از طرفی «انسان باید سالم، آرام و کامل باشد»، از طرفی دیگر انسان کمال استجلائی پروردگار، و جانشین خداوند و دارای مقام ولایت الهیه است، لذا این انسان برای رسیدن به سلامت، آرامش و کمال حقیقی باید به مقام فنای فی‌الله و بقای بالله (مقام توحید^۴) برسد.

این اتصاف جز با توجه کامل به جناب حق مطلق سبحانه حاصل نمی‌شود، زیرا به همین توجه جهت حقیقت وی قوی شده و بر جهت خلقیتش غالب می‌شود تا اینکه آن را به کلی مقهور و فانی کرده مثل قطعه‌ای زغال مجاور

^۳ در یکی از رسائل جناب فارابی: هزارها حکمت به توان هزارها حکمت در صنع صورت عالم و آدم آن فآن در تحت تدبیر خداوند سبحان در کارند، تا قلب و عقل و علم به آن موجود یگانه منتهی نشده‌اند، آرام نمی‌گیرند. *أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ* (رعد - ۲۹). [۵]

^۴ مقام توحید دارای سه رتبه است. منظور عرفا از «توحید افعالی» این است که فعل بندگان را نیز در سایه افعال الهی معنا می‌کنند و فالعلیت استقلالی را از سالک سلب نمایند. عرفا در «توحید صفاتی» صفات بندگان و کمالات موجودات دیگر را نیز به خدا نسبت می‌دهند و نشان می‌دهند که هیچ موجودی به صورت مستقل از خود هیچ کمالی ندارد. سالک در «توحید ذاتی» نه تنها همه افعال و صفات را از خدا می‌داند، که اصلاً همه موجودات را طفیلی و رشحات و انوار و پرتوهایی از یگانه موجود مستقل هستی می‌بیند. [۲]

برای پاسخ به سوال دوم نیاز به تدوین دو نوع قیاس عملی داریم: یکی برای فهم هدف غایی و دیگری برای فهم اهداف واسطه‌ای.

هدف غایی

برای رسیدن به هدف‌غایی (گزاره هنجارین) باید قیاسی عملی تدارک شود که مقدمه نخست آن گزاره‌ای هنجارین تحت عنوان «بایدهای حیاتی انسان عرفانی» است. و مقدمه دوم آن همان مبانی نوع یک می‌باشند. با مطالعه در آثار علامه حسن‌زاده مشخص است که این بایدهاساسی باید حول محور «وحدت وجود»^۱ که اساسی‌ترین مبنای هستی-شناختی عرفان است شکل بگیرد. باقری بایدهای حیاتی را گزاره یا گزاره‌های هنجارینی می‌داند که بیانگر حال آدمی، مبنی بر ضرورتی درونی برای حفظ حیات خود و ملازمت آن با راحت و سعادت است. [۱۷] با توجه به دیدگاه‌های عرفانی علامه در خصوص همین ضرورت‌ها^۲ به عبارتی تخصصی خواهیم رسید که نشان‌دهنده بایدهای حیاتی انسان عرفانی می‌باشد: «انسان می‌خواهد سالم، آرام و کامل باشد.» سلامت: مشخصات انسان سالم شامل همه‌ی ابعاد ظاهری و باطنی او می‌شود. علامه برای سالم شدن از امراض نفسانی تاکید دارد که اگر آقا (انسان) بیدارشد باید به فکر درمان دردهایش باشد که وقتی نمانده است و ابد در پیش است؛ شست‌وشو لازم است و گفت‌وگو می‌باید. [۴] انسان را اوصاف و اسماء گوناگونی است که همه آنها در حفظ نظام وجود انسانی او اصل‌اند و با فقدان یکی از آنها نقص و اختلال در نظم او پیش خواهد آمد و انسان سالم و تمام نخواهد بود. مثلاً عطسه و تنفس و اکل و قوای هضم و باه و غضب و دفع و جذب و نظائرها که هر یک آنها در کمال او دخیل‌اند و چه بسا که با فساد و عدم یکی از آنها باقی نماند و تن به مرگ دهد. [۲۳] و برای حفظ سلامت بدنی و مزاجی علم طب را عظیم می‌شمارد: موضوع علم طب بدن انسان است. و از بدیهیات است که این موضوع در عالم کون و فساد از دیگر کائنات شریف‌تر و برتر است؛ پس علم به آن

^۱ معتقدان به وحدت وجود (Le pantheisme idealiste) خدا را موجود حقیقی و عالم را ناچیز و فانی و مظهر بی‌ثبات (apparent fugitive) مانند سایه و عکس و وجود ربطی، و به عبارت ساده‌تر عالم را در خدا مستهلک می‌دانند. [۲۲]

^۲ مثلاً در خصوص حیات می‌گوید: حیات و فعلیت واقعی انسان، معارف حقیقی اوست که گوهر ذات او می‌شوند. [۱۸] یا در جایی دیگر می‌گوید: علم، زنده‌ی ابدشدن و جهل، مرگ‌دایم یافتن است. آب حیات که در ظلمات است کنایه از علم است که در نفس پنهان است کسی زنده‌ی ابد نشود، جز به علم و حکمت و معرفت الهی. [۲۵]

ست هنجارین که در مقایسه با هدف‌غایی، هدف‌های میانی یا واسطی را معرفی می‌کند. [۱۷] برای فهم گذاره‌های واقع-نگر دوره جوانی با کنکاش در آثار متخصصان مختلف روانشناسی و جامعه‌شناسی و دین‌پژوهان، تعدادی از این گزاره‌های واقع‌نگر بدست آمده‌اند که در ادامه بیان می‌شوند. اما نقل خاطره‌ای از علامه می‌تواند اهمیت و تأثیر ویژگی‌ها و گزاره‌های واقع‌نگر دوره جوانی در تربیت عرفانی را بهتر نمایان کند: در عنفوان جوانی و آغاز درس زندگانی که در مسجد جامع آمل سرگرم بصرایم در اسم و فعل و حرف بودم، در سحرخیزی و تهجد عزمی راسخ و ارادتی ثابت داشتم؛ در رؤیای مبارک سحری به ارض اقدس رضوی تشریف حاصل کردم و به زیارت جمال دل‌آرای ولی‌الله اعظم ثامن الحجج علی بن موسی الرضا- علیه و علی آبانه و ابنا نه آلف التحیه و الثنا- نائل شدم. در آن لیل مبارکه قبل از آنکه بحضور باهرالنور امام(علیه‌السلام) مشرف شوم مرا به مسجدی بردند که در آن مزار حبیبی از احباءالله بود و به من فرمودند در کنار این تربت دو رکعت نماز حاجت بخوان و حاجت بخواه که برآورده است، من از روی عشق و علاقه مفرضی که به علم داشتم نماز خواندم و از خداوند سبحان علم خواستم. سپس به پیشگاه والای امام هشتم سلطان دین‌رضا- روحی لرتبته الفداء، و خاک درش تاج سرم- رسیدم و عرض ادب نمودم بدون این که سخنی بگویم امام که آگاه به سرّ من بود و اشتیاق و التهاب و تشنگی مرا برای تحصیل آب حیات علم می‌دانست فرمود نزدیک بیا، نزدیک رفتم و چشم به روی امام گشودم دیدم با دهانش آب دهانش را جمع کرد و بر لب آورد و بمن اشارت فرمود که بنوش، امام خم شد و من زبانه را درآوردم و با تمام حرص و ولع که خواستم لب‌های امام را بخورم، از کوثردهانش آن آب حیات را نوشیدم و در همان حال به قلبم خطور کرد که امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) فرمود: پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله) آب دهانش را به لبش آورد و من آن را بخوردم که هزار در علم و از هر دری هزار در دیگری به روی من گشوده شد. پس از آن امام(علیه السلام) طی الارض را عملاً به من بنمود، که از آن خواب نوشین شیرین که از هزاران سال بیداری من بهتر بود بدر آمدم، به آن نوید سحرگاهی امیدوارم که روزی به گفتار حافظ شیرین سخن به ترنم آیم که:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و ندر آن
ظلمت شب آب حیاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب
قدر که این تازه براتم دادند

آتش که به سبب مجاورت و استعداد پذیرش آتش و قابلیت پوشیده در آن اندک‌اندک شعله ور می‌شود تا اینکه آتش شود، پس آنچه از آتش از قبیل سوزانیدن و پزاندن و درخشش و غیر آن حاصل می‌شود از این نیز حاصل می‌شود و قبل از شعله‌ور شدن تاریک و کدر و سرد بود، و این توجه جز به محبت ذاتی پوشیده در عبد ممکن نیست و ظهور این محبت نمی‌شود مگر به اجتناب از آنچه که با آن متضاد است و تناقض دارد و آن تقوا و پرهیز از ماعدای محبت است، پس محبت مرکب و تقوی توشه اوست و این فنا باعث می‌شود که بار دیگر عبد به تعینات حقّانی الهی و صفات ربّانی متعین شود، و این بقای به حق است، پس از وی هرگز تعین برداشته نمی‌شود. [۱۸] علامه حسن‌زاده در شرح حدیث کمیل بعد از فنا و بقا که عالی‌ترین مقامات نفس است^۱ فرمود: لها خاصیتان: الرضا و التسليم. مقام رضا و تسلیم خاصیت نفس کلیة الهیه است که اشرف و اعلاى نفوس قدسیه است. [۲۵]

جدول ۱. قیاس عملی تعیین هدف غایی

هدف	هدف غایی: فنای فی‌الله و بقای بالله(مقام توحید) انسان برای سالم بودن، آرامش و کمال باید با هدایت معلمی ربّانی به سوی خدا راه جوید و به او بپیوندد.	نتیجه
مبانی انسان - شناختی نوع ۱	۱. انسان جامع تمام حقایق است. ۲. انسان ولی الله است. ۳. انسان کمال استجلاست.	مقدمه دوم
باید های حیاتی	انسان باید سالم، آرام و کامل باشد.	مقدمه اول

اهداف واسطه‌ای و گزاره‌های واقع‌نگر دوره جوانی

برای رسیدن به اهداف واسطی باید از بخش اول الگوی فرانکنا استفاده کرد؛ مقدمه اول در این قیاس متضمن هدف غایی تربیت عرفانی است. مقدمه دوم حاوی گزاره‌های واقع‌نگری است حاکی از این که رسیدن به هدف غایی مذکور، در گرو چه اموری است. سرانجام، نتیجه، گزاره‌ای-

^۱ هر دل که از مقام تجلیه، تخلیه و تحلیه به مقام فنا در حق رسید و در مقام تجلیه شرع الهی را که حضرت در کلمه دیگر فرمود: الشریعة ریاضة النفس امتثال کرد واجب را عمل کرد و حرام را ترک. و در مقام تخلیه از صفات رذیلة کبر و غرور و بخل و حسد و کینه و عجب و خودبینی منزّه گشت و در مقام تجلیه متّصف به صفات ملکوتی و متخلّق به اخلاق الله گردید و در مقام فنا، افعال و اوصاف و ذوات ممکنات را در افعال و صفات و ذات حق فانی و هالک یافت و معنی کُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ را شهود کرد، آن دل پاک از ماسوی-الله و به مقام مشاهده خدا نائل گردد؛ آری لازمه نظر خدا به بنده عارف، فناء و استغراق عارف در شهود خداست. رزقنا الله و ایاکم. [۲۵]

همچنین علامه در خصوص اهمیت گرایش به سلوک در این سن بیان می‌دارد: به آنچه در احوال عارفان و اصحاب کشف و شهود خوانده‌ایم و شنیده‌ایم، اغلب آن بزرگان در جوانی که درخت دنیا در آنها ریشه ندوانیده بود به مقامات بالا نایل شدند. این قرآن حکیم است که درباره‌ی اصحاب کهف فرماید: «ما داستان آنان را به حق برای تو بازگو می‌کنیم. آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایت‌شان افزودیم» (کهف-۱۴). [۳۳]

منظور از اهداف واسطه‌ای یک سری غایت‌های کلی است که برای تبدیل شدن به رفتارهای جزئی باید مشخص تر شوند. کار هدف غایی، تنها تعیین جهت و مسیر است؛ اما تعیین چگونگی طی مسیر به عهده هدف نهایی نیست. این مهم با هدف واسطه‌ای است. شأن و کارکرد هدف نهایی صرفاً تعیین مسیر است و کارکرد اهداف واسطه‌ای بیان کیفیت طریق و مراحل است که عملاً به هدف نهایی می‌رسد. [۳۴] بنابراین بر اساس قیاس عملی، اهداف واسطه‌ای در سه سطح شناختی، گرایشی و عملی تعیین می‌شوند.

من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند. [۲۶]

گذاره‌های واقع‌نگر دوره جوانی عبارت‌اند از:

- دوره قوت و قدرت و توانایی انجام فعالیت‌های سنگین بدنی. [۲۷] ۲. دوره جمال‌گرایی. [۲۸] ۳. دوره تعالی هویتی. [۲۹] ۴. صفای باطن و رقت قلب. [۱۶] ۵. دوران شکوفایی وجدان اخلاقی یا الهام‌الهی (تقویت قوه قدسی الهی). [۲۷] ۶. گرایش به مذهب و خداگرایی. [۳۰] ۷. تخیلات قوی. [۲۷] ۸. احساسات شدید و شورآفرین. [۲۷] ۹. گرایش به فهم مجهولات. [۳۱] ۱۰. پیدایش روحیه استقلال‌جویی و تشخیص طلبی. [۲۷] ۱۱. توانایی درک و فهم مفاهیم کلی و انتزاعی و افزایش توانمندی ذهنی. [۳۲] ۱۲. علاقه به مسائل مذهبی و گرایش به ماوراءطبیعت و خداشناسی. [۲۸] ۱۳. تمایل به مواجهه استدلالی و انتقادی با قضایا.

ریموند بیچ می‌گوید: جوانان مجهولات را دوست دارند، زیرا مجهولات^۱ چیزهای تازه‌ای هستند که بهتر از معلومات تجربی با مولودات ذهنی ایشان توافق می‌یابند.

جدول ۲. قیاس عملی تعیین اهداف شناختی

اهداف غایی	گزاره‌های واقع‌نگر
هدف غایی: فنای فی‌الله و بقای بالله (مقام توحید) انسان برای سالم بودن، آرامش و کمال باید با هدایت معلمی ربانی به سوی خدا راه جوید و به او بپیوندد.	گرایش به فهم مجهولات-افزایش توانمندی های ذهنی-توانایی درک و فهم مفاهیم کلی (هوش انتزاعی)-برخورد استدلالی و انتقادی با قضایا-قهرمان-گرایی-علاقه به مسائل مذهبی و گرایش به ماوراءطبیعت
اهداف واسطه‌ای شناختی	
معرفت به خدا از طریق سیر انفسی- سلامت روح- پرورش حس خداآوری- به فعلیت رساندن قوه نظری انسان- شناخت نسبت به وحدت صانع مقدر مدبر (اثبات خداوند)- شناخت انسان کامل	

جدول ۳. قیاس عملی تعیین اهداف گرایشی

اهداف غایی	گزاره‌های واقع‌نگر
هدف غایی: فنای فی‌الله و بقای بالله (مقام توحید) انسان برای سالم بودن، آرامش و کمال باید با هدایت معلمی ربانی به سوی خدا راه جوید و به او بپیوندد.	تخیلات قوی-احساسات شدید و شورآفرین- رقت قلب-علاقه به مسائل مذهبی و گرایش به ماوراءطبیعت-رشد شدید وجدان اخلاقی و الهام‌الهی (تقویت قوه قدسی الهی)
اهداف واسطه‌ای گرایشی	
خداجویی- پرورش مزاج شایسته- تدبیرتمایلات درونی (هدایت امیال و غرایز)- تقویت نفس ناطقه - سیر صعودی دائمی	

جدول ۴. قیاس عملی تعیین اهداف عملی

اهداف غایی	گزاره‌های واقع‌نگر
------------	--------------------

توانایی انجام فعالیت‌های سنگین بدنی- رشد قوای بدنی-قهرمان گرایی	هدف غایی: فنای فی‌الله و بقای بالله(مقام توحید یا ربوبی شدن) انسان برای سالم بودن، آرامش و کمال باید با هدایت معلمی ربانی به سوی خدا راه جوید و به او بپیوندد.
اهداف واسطه‌ای عملی	
سلامت روح و جسم- تدبیر بدن -انقیاد و تسلیم در برابر خداوند- تمیز زیبایی از زشتی و دوری از پلیدی‌ها- تلاش برای حضور همیشگی در محضر خدا- تبعیت از انسان کامل	

جدول ۵. قیاس عملی تعیین اهداف واسطه‌ای

نتیجه	۱. معرفت به خدا. ۲. پرورش مزاج شایسته. ۳. سلامت روح و جسم. ۴. تقویت نفس ناطقه. ۵. پرورش حس خداپاوری. ۶. خودسازی برای قرب الی‌الله. ۷. حضور تام در محضر خدا. ۸. به فعلیت رساندن دو قوه نظری و عملی انسان. ۹. سیر صعودی دائمی. ۱۰. شناخت نسبت به وحدت صانع مقدر مدبر. ۱۱. کسب رزق معنوی برای سیر و سلوک. ۱۲. شناخت و تبعیت از انسان کامل. ۱۳. تدبیر تمایلات درونی(هدایات امیال و غرایز). ۱۴. تمیز زیبایی از زشتی. ۱۵. میانه‌روی در تأمین نیازهای جسمی. و...	اهداف متوسط
مقدمه دوم	۱. گرایش به فهم مجهولات. ۲. تمایل به مواجهه استدلالی و انتقادی با قضا یا. ۳. افزایش توانمندی ذهنی و انتزاعی. ۴. گرایش به ماوراء طبیعت و خداشناسی. ۵. گرایش به مذهب و خداگرایی. ۶. صفای باطن و رقت قلب. ۷. پیدایش روحیه استقلال‌جویی و تشخیص‌طلبی. ۸. جمال‌گرایی. ۹. تخیلات قوی. ۱۰. احساسات شدید و شورآفرین. ۱۱. رشد شدید وجدان اخلاقی و الهام الهی. ۱۲. دوره قوت و قدرت و توانایی انجام فعالیت‌های سنگین بدنی. ۱۳. تعالی هویتی. ۱۴. قهرمان‌گرایی	گزاره‌های واقع‌نگر دوره جوانی
مقدمه اول	هدف غایی: فنای فی‌الله و بقای بالله(مقام توحید یا ربوبی شدن) من برای سالم بودن، آرامش و کمال باید به سوی خدا راه جویم و به او بپیوندم.	هدف غایی

ذاتی یک فقر دیگر هم دارند. دارای بدن خاص و در راه کمال و در حرکتند. جای خالی دارند که باید پر شود. البته جوهر مجردند و مبدأ برای ادراک و دارای اراده و مصور به صور کلی می‌شوند. چون بدن خاص داریم و شب و روز در پروراندن دو قوه نظریه و عملیه یعنی بینش و کنش. این بدن را به کار می‌کشیم برای رسیدن به اهداف و تکامل یافتن. [۳۶]

۳. **انسان همواره در حرکت به سوی خداوند است.** علامه در چند اصل از دروس معرفت النفس به تبیین حرکت پرداخته است. در اصل ۱۱: «حرکت در چیزی است که فاقد کمالی باشد.» اصل ۱۳: «حرکت فرع بر احتیاج است.» در اصل ۱۹: «حرکت، خارج شدن موضوعی است از فقدان صفتی و کمالی به سوی وجدان آن کمال و صفت به طور تدریج و وجود هر جزء بعد از جزء دیگر. و خلاصه حرکت عبارت است از خروج شیء از قوه در امری به فعل تدریجاً.» در اصل ۲۰: «برای متحرک باید مخرجی باشد که وی را از نقص به در برد و به کمال رساند.» در اصل ۲۱: «ما با حرکت و در حرکت و در جهان حرکتیم.» و نهایتاً در اصل ۴۸ بیان می‌دارد: «هر متحرک در حرکت خود به سوی چیزی می‌رود که فاقد آن است تا از حرکت واجد آن شود و آن غایت و غرض اوست.» علامه در وصفی بالاتر، از «سیر حقیقی» یا «حرکت ایجادی» کل عالم و انسان بحث می‌نماید: سعی

مبانی انسان‌شناختی نوع دوم

این نوع از مبانی تأثیر خود را در تعیین اصول تعلیم و تربیت آشکار می‌سازد. و از طریق اصول در تعیین روش‌های تعلیم و تربیت نیز موثر هستند. تحقق بخشیدن به اهداف تعلیم و تربیت در گرو اعتنا و تکیه- کردن بر مبانی نوع دوم و اصول ناظر به آنهاست. [۱۷] با مطالعه و تعمق در اصول ۷۶ گانه دروس معرفت- النفس علامه و همچنین تعمق در سایر کتاب‌های علامه، این مبانی قابل استخراج است:

۱. **انسان یک هویت ممتد از فرش تا فوق عرش است.** آن‌که در تن و روان خود بیندیشد، خود را یک چیز و دو چیز، بلکه چند چیز یابد: یک چیز به حسب شخصیت، دو چیز یا چند چیز به لحاظ تحلیل عقلی. یک شخصیت ممتد از فرش تا فوق عرش، که یک انسان طبیعی و مثالی و عقلی و الهی است. [۳۵] از طرفی قوای انسانی نسبت به شجره نفس نیز این چنین‌اند که همه فروع یک حقیقت‌اند یعنی شاخه و برگ یک درخت‌اند و در حقیقت، نفس همه آنهاست و افعال آنها همان فعل نفس است. [۷]

۲. **انسان دارای فقر ذاتی و فقر استکمالی است.** عقول بدن ندارند و فقط فقر ذاتی دارند. یک نوع موجود مجرد دیگر داریم(مثل نفس انسانی) که در راه کمال است و غیر از فقر

- گزاره واقع‌نگرمبنایی: انسان سالم از غذای مناسب روح - دانش - و غذای مناسب جسم - عمل صالح - تغذیه می‌کند.
- اصل ۳: علم و عمل انسان‌ساز (انسان برای داشتن نفس سالم باید دانش و عمل صالح داشته باشد).^۱
- هدف: تدبیر تمایلات درونی (هدایت امیال و گرایش) و تدبیر بدن
- گزاره واقع‌نگر مبنایی: نفس سالم اگر بالا بیاید، عالم عناصر و ماده کائنات در اختیار اوست.
- اصل ۴: تأثیر نفس بر بدن^۲ (انسان باید با توجه نفس، بدن و امیالش را تدبیر کند).

مبنای دوم: انسان دارای فقر ذاتی و فقر استکمالی است.

- هدف: تقویت نفس ناطقه (برای متخلق شدن به اخلاق انسانی)

۱ علم و عمل عَرَض نیستند، بلکه دو گوهر انسان‌سازند و نفس انسانی به پذیرفتن علم و عمل توسع و اشتداد وجودی پیدا می‌کند و گوهری نورانی می‌گردد. علم سازنده و مشخص روح انسانی، و عمل سازنده و مشخص بدن انسانی در نشأت اخروی است. و انسان را بدن‌های در طول هم به وفق نشأت است و تفاوت ابدان به نقص و کمال است. [۳۷]
۲ واقعیتی است که جان در بدن اثر می‌گذارد. فکر خوش بدن را فربه می‌کند و جان صافی می‌شود و می‌بیند ادعیه که می‌خوانیم و دستور داده اند که بخوانیم، به اشراف و تلقین در نفس اثر می‌گذارد. شخصی که از درد چشم می‌نالید، حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود: نمی‌خواهی به تو دستوری دهم که برای همیشه چشمت سالم بماند؟ گفت: بلی؛ فرمود: بعد از نماز صبح و مغرب بگو «اللهم اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْكَ صَلَّ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ النُّورَ فِیْ بَصْرِیْ...» خود نفس به همین توجه که اللهم... ، خودش با این توجه که دارد چشم خود را شفا می‌دهد و با همین توجه است که بدن را نگه می‌دارد. از بیرون که نیست، بلکه از درون است، از خودمان است. خود توجه نفس باعث تأثیر پذیری بدن است. (توجه صحت، صحت می‌آورد، توجه مرض مریض می‌کند، و توجهش به دیگران با دعا یا نفرین کردن در صورتی که توجه تام داشته باشد روی آنها اثر می‌گذارد و خود این اثر قبول و استجاب دعاست). [۳۶] جناب بوعلی سینا نیز در نمط دهم، فصل ۲۵ راجع به علت‌های این تأثرگذاری می‌گوید: این اثرگذاری زیر سر دو امر است؛ یکی تجرد نفس و دیگری استعداد نفس و اشتداد نفس و قوت آن که اتحاد عاقل و معقول این را حل می‌کند که علم با عمل و نفس یکی می‌شود. [۳۶]

کن حرکت تو چون حرکت ایجاد می‌باشد. حرکت ایجاد می‌شود. حرکت حبی است و از آن تعبیر به سیر حبی نیز می‌شود. در حقیقت حرکت طبیعی ظلّی از حرکت حبی و شأنی از شئون آنست. اصطلاح سیر حبی مأخوذ از مأثور «کنت کنزاً مخفیاً فأحببت أن أعرف» است. غرض اینکه چنان که از آن سوی، سیر حبی است سعی کن تو را نیز از این سوی سیر حبی باشد. قُلْ إِنَّ صَلَاتِیْ وَ نُسُکِیْ وَ مَحَیَاتِیْ وَ مَمَاتِیْ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ برای عبد سالک هیچ نهجی شیرین‌تر از سیر حبی نیست. [۵] او غایت این حرکت وجودیه را کمال حقیقی حاصل برای انسان می‌داند؛ یعنی حرکت وجودیه حرکت استکمالی است که انسان به کمال حقیقی خود برسد. چه، خلقت عبث نیست و هر نوعی در راه تکامل است و به کمال ممکن خود می‌رسد، و انسان هم از این امکان مستثنی نیست. [۳۷]

اصول انسان‌شناختی تربیت عرفانی

برای استنتاج اصول تربیتی باید از اهداف تربیتی و نیز گزاره‌های واقع‌نگر مبنایی به منزله یک استدلال قیاس عملی بهره جست که نتیجه آن اصلی از اصول تعلیم و تربیت خواهد بود. [۳۰] اصول تعلیم و تربیت عبارت‌اند از یکسری گزاره‌های تجویزی که برنامه ریزی فعالیت‌های تربیتی با توجه به آنها صورت گیرد و اقدامات تربیتی نیز بر اساس این نوع گزاره‌های تجویزی هدایت‌کننده، اجرا و ارزشیابی شود. [۳۸] شیوه ارائه مطالب نیز به صورت تخصیص چند اصل تربیتی در ذیل یکی از مبانی انسان‌شناختی تربیت عرفانی می‌باشد.

مبنای اول: انسان یک هویت ممتد از فرش تا فوق عرش است.

- هدف: معرفت به خدا (خداشناسی).
- گزاره واقع‌نگر مبنایی: شناخت خداوند در گروه شناخت عوالم ظاهری و باطنی انسان است.
- اصل ۱: معرفت النفس (انسان برای شناخت خدا باید حقیقت خود را بشناسد).
- هدف: پرورش مزاج شایسته.
- گزاره واقع‌نگر مبنایی: «هر کس طباع او معتدل باشد مزاج او صافی گردد»
- اصل ۲: اعتدال (انسان برای داشتن مزاج شایسته و بایسته باید طبعش را معتدل کند).

- هدف: سلامت روح و جسم

اصل ۹: ادب مع‌الله (انسان برای حضور در محضر خداوند باید ادب را رعایت کند تا مناسبتی با عالم اله داشته باشد).

هدف: به فعلیت رساندن دو قوه نظری و عملی انسان

- گزاره واقع‌نگر مبنایی: حرکت، خروج شیء است از قوه در امری به فعل تدریجاً.

اصل ۱۰: استکمال تدریجی (انسان برای به کمال رساندن نیروهایش باید تدریجاً حرکت کند).

هدف: انسان باید دائماً سیر صعودی داشته باشد.^۲
- گزاره واقع‌نگر مبنایی: همه عالم براساس محبت خلق شده‌اند و بر مبنای عشق و محبت به سوی واحد در حرکتند.

اصل ۱۱: سیر حَبّی^۳ (انسان در عبادت و طی منازل سلوکی باید نسبت به خداوند عشق داشته باشد).

هدف: شناخت نسبت به وحدت صانع مقدر مدبر - گزاره واقع‌نگر مبنایی: انسان با تکامل ابزارهای شناختی‌اش (عقل و حس) نیاز جهان و موجودات آن را به داشتن تدبیرکننده و تقدیرکننده‌ای کامل درک می‌کند.^۴

اصل ۱۲: سیر آفاقی (انسان برای اثبات خداوند باید به تفکر در صنایع‌الله و آیات‌الله بپردازد).

هدف: شناخت و تبعیت از انسان کامل - گزاره واقع‌نگر مبنایی: تبعیت از انسان کامل در گرو پذیرفتن سرپرستی و ولایت اوست.

اصل ۱۳: ولایت‌مداری (انسان برای تبعیت از انسان کامل باید ولایت‌پذیری داشته باشد.)

۲ اگر کسی دو روزش برابر باشد مغیوب است. این مغیوب به معنی ضرر معنوی است که ضرر در عقل و علم و فکر و رأی است. [۵]

۳ پیدایش همه‌ی برکات از حرکت است، و محبت اصل وجود است. و خود حرکت حیات و وجود است. کلمات وجودیه به حرکت حَبّی از علم به عین آمدند و می‌آیند؛ یعنی از غیب به عوالم ظهور و شهود می‌رسند. [۳۹]

۴ هر شیء مظهر اسم شریف «یا من لیس کمله شیء» است، و این مظهریت را مراتب است. هر حرفی از حروف کتاب آفاقی و انفسی ناطق است که من موجودی واحد و بی شریک، چگونه موجد مرا شریک باشد. [۴۰]
وجود هر یکی چون بود واحد به وحدانیت حق گشت شاهد (گلشن راز)

توحید گوی او نه بنی آدم‌اندو بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد (سعدی)

- گزاره‌های واقع‌نگر مبنایی: هر کس مزاجش صافی باشد و حضور تام در محضر خداوند داشت، اثر نفس در وی قوی گردد. [۳۹]

اصل ۵: فقرزدایی (انسان برای تقویت نفس ناطقه‌اش باید مزاجی شایسته داشته و خود را همیشه در محضر خداوند ببیند).^۱

هدف: پرورش حس خداباوری
- گزاره واقع‌نگر مبنایی: فقط خداوند متعال قادر مطلق است و همه موجودات به او محتاجند.

اصل ۶: تمنا و طلب (انسان باید درخواست‌هایش را فقط از خداوند بخواهد).

هدف: انقیاد و تسلیم در برابر خداوند
- گزاره واقع‌نگر مبنایی: تسلیم در برابر اراده خداوند در گرو عمل به فقه است.

اصل ۷: تجلیه (انسان برای ملکه‌شدن حس تسلیم در برابر خداوند باید عمل به واجبات و ترک محرّمات را واجب بداند).

هدف: تمیز زیبایی از زشتی و دوری از پلیدی‌ها.
- گزاره واقع‌نگر مبنایی: دوری از زشتی‌ها در مرحله اول در گرو طهارت خیال است.

اصل ۸: تخلیه (انسان برای داشتن قدرت تمیز زیبایی‌ها از زشتی‌ها باید ابتدا قوه خیالش را از سوءظن‌ها و از آرزوهای بیهوده تطهیر کند).

مبنای سوم: حرکت انسان به سوی خداوند است.

هدف: تلاش برای حضور همیشگی در محضر پروردگار

- گزاره واقع‌نگر مبنایی: پذیرش انسان در هر جایگاهی مستلزم رعایت آداب آن جایگاه است.

۱ نفوس در اخراج از نقص به کمال و از قوه به فعل رسیدن، به چیزی نیاز دارند و آن مجردات و عقول‌اند که مخرج نفوسند؛ چون شیء خودش نمی‌تواند مخرج خودش باشد. [۳۶] نفس اگر قوی بشود کار مفارقات را می‌کند. وضع و محاذات لازم نیست. همان طوری که حضرت موسی (علیه السلام) دریا را بدون بیل و کلنگ و سنگ خشک کرد، آب را سد کرد، جلوی آب را گرفت و زمین را شکافت؛ همه زیر سر نفس موسی است. و این قوه‌ی نفس زیر سر دانستن مفاهیم نیست که هر کسی مفاهیم را بیشتر بداند قوی‌تر باشد! خیر، حتماً حضور تام می‌خواهد... هر چه خلوت و سکوت و صوم و ذکر و عند الذکر بودن بیشتر باشد قوی‌تر می‌شوید. [۳۶]

جدول ۶. جدول قیاس عملی تعیین اصول تربیتی شناختی

اهداف واسطه‌ای شناختی	گزاره‌های واقع‌نگر مبنایی
-----------------------	---------------------------

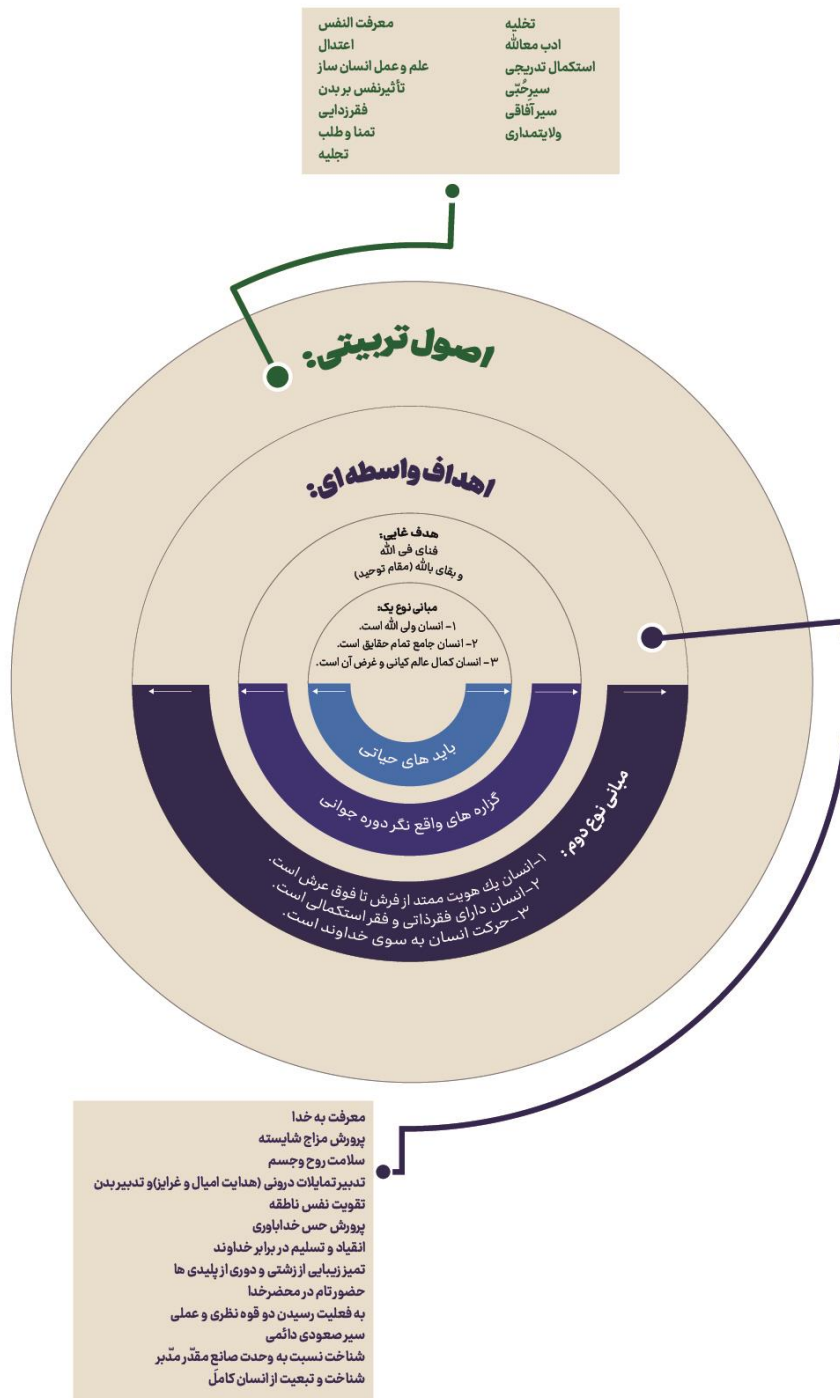
<p>معرفت به خدا(خداشناسی) - سلامت روح - پرورش حس خداپاوری - به فعلیت رساندن قوه نظری انسان - شناخت نسبت به وحدت صانع مقدر مدبر - شناخت انسان کامل</p>	<p>- شناخت خداوند در گرو شناخت عوالم ظاهری و باطنی انسان است سلامت نفس از غذای مناسب روح یعنی دانش و غذای مناسب جسم یعنی عمل صالح است. - فقط خداوند متعال قادر مطلق است و همه موجودات به او - انسان با تکامل ابزارهای شناختی اش (عقل و حس) نیاز جهان و .محتاجند موجودات آن را به داشتن تدبیرکننده و تقدیرکننده‌ای کامل درک می‌کند. - تبعیت از انسان کامل در گرو پذیرفتن سرپرستی و ولایت اوست.</p>
اصول تربیتی شناختی	
- معرفت النفس - علم انسان ساز - تمنا و طلب - استکمال تدریجی - سیر آفاقی - ولایت مداری	

جدول ۷. قیاس عملی تعیین اصول تربیتی گرایشی

<p>اهداف واسطه‌ای گرایشی</p>	<p>گزاره‌های واقع‌نگر مبنایی</p>
<p>خداگرایی - پرورش مزاج شایسته - تدبیر تملیقات درونی (هدایت امیال و غرایز) - تقویت نفس ناطقه - سیر صعودی دائمی</p>	<p>- هر . شناخت خداوند در گرو شناخت عوالم ظاهری و باطنی انسان است کس طبع او معتدل باشد مزاج او صافی گردد. - نفس سالم اگر بالا بیاید، عالم عناصر و ماده کائنات در اختیار اوست. - فقیر با حضور در محضر خدا قوی می‌شود. (مانند قطره متصل به دریا) - همه عالم بر اساس محبت به سوی واحد در حرکتند. -</p>
اصول تربیتی گرایشی	
معرفت النفس - اعتدال - اصل تأثیر نفس بر بدن - فقر زدایی - سیر حبی	

جدول ۸. قیاس عملی تعیین اصول تربیتی عملی

<p>اهداف واسطه‌ای عملی</p>	<p>گزاره‌های واقع‌نگر مبنایی</p>
<p>سلامت جسم - تدبیر بدن - انقیاد و تسلیم در برابر خداوند - تمیز زیبایی از زشتی و دوری از پلیدی‌ها - تلاش برای حضور همیشگی در محضر خدا - تبعیت از انسان کامل</p>	<p>سلامت نفس از غذای مناسب جسم یعنی عمل صالح است. - نفس سالم اگر بالا بیاید، عالم عناصر و ماده کائنات در اختیار اوست. - تسلیم در برابر اراده خداوند در گرو عمل به فقه است. - دوری از زشتی‌ها در مرحله اول در گرو طهارت خیال است. - پذیرش انسان در هر جمع یا مقامی مستلزم رعایت آداب آن جمع یا مقام است. - حرکت عبارت است از خروج شیء از قوه در امری به فعل تدریجاً.</p>
اصول تربیتی عملی	
- علم و عمل انسان ساز - تأثیر نفس بر بدن - تجلیه - تخلیه - ادب مع الله - ولایت مداری	



شکل ۱. مبانی، اهداف و اصول تربیت عرفانی

انسان در عالم‌ند. این مبانی تعیین‌کننده هدف غایی و اهداف واسطه‌ای تربیت‌ند که عبارت‌اند از: ۱. انسان جامع تمام حقایق است. ۲. انسان ولی‌الله است. ۳. انسان کمال عالم کیانی و غرض آن است. در کنار این مبانی اولیه، با مبانی نوع دوم به‌عنوان مبانی‌ای فلسفی و عام سر و کار داریم که

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق در خصوص تبیین مبانی نشان می‌دهد که مبانی نوع یک به‌عنوان عمیق‌ترین مبانی تربیت عرفانی علامه حسن‌زاده‌آملی تبیین‌کننده جایگاه واقعی

است؛ لذا باید شرایط ایجاد تجربیات معنوی برگرفته از دین را برای دانش‌آموزان ایجاد کرد؛ زیرا که بهترین محرک برای گرایش جوانان به دین همین تجربیات معنوی و دینی محسوب می‌شود. معلمان نیز می‌توانند با بهره‌گیری از آثار فراوان و متنوع علامه حسن‌زاده در حوزه شناخت انسان و عالم خلقت و استفاده از دستورالعمل‌های معنویت‌گرا و انسان‌ساز ایشان، جان و روح خویش را با معارف عمیق عرفانی آبیاری نمایند و هم‌دل‌های صاف و نیالوده و مشتاق حقیقت دانش‌آموزان را با آموزه‌های عرفانی و معنویت اصیل آشنا نمایند. دانش‌آموزان شناخت دقیقی نسبت به انسان و ابعاد و عوامل او ندارند و اهمیت نفس و روح و جسم را نمی‌شناسند اگر این شناخت بر مبنای تفکرات ریشه‌دار علامه حسن‌زاده - که جامع اندیشه بسیاری از بزرگان فلسفه و عرفان دنیای اسلام است - به صورت ساده در اختیار ایشان قرار گیرد، در اهداف زندگی و حتی جهان‌بینی ایشان تحول واقعی ایجاد خواهد کرد.

منابع

قران کریم

- ۱- حسن‌زاده‌آملی، حسن. هزار و یک نکته، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء ۱۳۷۲.
- ۲- مصباح‌یزدی، محمدتقی. در جستجوی عرفان اسلامی، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶.
- ۳- ابن‌سینا، حسین بن‌عبدالله. الاشارات والتنبیها، همراه با شرح خواجه نصیرالدین طوسی، قم: نشرالبلاغه، ۱۳۸۱.
- ۴- حسن‌زاده‌آملی، حسن. نامه‌ها برنامه‌ها، قم: الف، لام، میم، ۱۳۸۹.
- ۵- حسن‌زاده‌آملی، حسن. سدره‌المنتهی فی تفسیر قرآن المصطفی، ج ۲، قم: الف، لام، میم، ۱۳۸۸.
- ۶- بهشتی، محمد. سیر اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. ج ۵، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- ۷- حسن‌زاده‌آملی، حسن. دروس معرفت نفس، قم: الف، لام، میم، ۱۳۸۵.
- ۸- هابرماس، یورگن. جهانی شدن و آینده دموکراسی، ترجمه: کمال پولادی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- ۹- افراسیاب پور علی اکبر. «تعلیم و تربیت عرفانی» عرفان اسلامی (ادیان و عرفان). ۱۳۸۸.

[cited 2022February12];5(20):13-36. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=130450>

در تعیین اصول تربیتی نقش دارند و عبارت‌اند از: ۴. انسان یک هویت ممتد از فرش تا فوق عرش است. ۵. انسان دارای فقرذاتی و فقر استکمالی است. ۶. حرکت انسان به سوی خداوند است. با تعیین مبانی نوع یک و مشخص شدن بایدهای حیاتی انسان مورد نظر علامه، به این نتیجه رسیدیم که «فنا فی الله و بقای بالله یا همان مقام توحید» هدف غایی تربیت عرفانی است. و از نتیجه قیاس با دو مقدمه هدف غایی و گزاره‌های واقع‌نگر دوره سنی جوانی (دوره وزارت)، اهداف واسطه‌ای استخراج شدند که عبارت‌اند از: ۱. معرفت به خدا- ۲. پرورش مزاج شایسته- ۳. سلامت روح و جسم- ۴. تدبیرتمایلات درونی (هدایت امیال و غرایز) و تدبیر بدن- ۵. تقویت نفس ناطقه ۶. پرورش حس خداباوری- ۷. انقیاد و تسلیم در برابر خداوند- ۸. تمیز زیبایی از زشتی و دوری از پلیدی‌ها- ۹. حضورتام در محضرخدا- ۱۰. به فعلیت رسیدن دو قوه نظری و عملی- ۱۱. سیر صعودی دائمی- ۱۲. شناخت نسبت به وحدت صانع مقدر مدبر- ۱۳. شناخت و تبعیت از انسان کامل. سپس استفاده از یک قیاس عملی با دو مقدمه اهداف واسطه‌ای و گزاره‌های واقع‌نگر مبنایی نوع دوم منجر به استنتاج: ۱. معرفت النفس ۲. اعتدال ۳. علم و عمل انسان- ساز ۴. فقرزدایی ۵. تمنا و طلب ۶. تجلیه ۷. تخلیه ۸. تخلیه ۹. ادب مع الله ۱۰. استکمال تدریجی ۱۱. سیرحجی ۱۲. سیر آفاقی ۱۳. ولایت‌مداری، به‌عنوان اصول تربیتی شد که خود مقدمه دستیابی به روش‌های تربیتی خواهد بود. در پایان پیشنهاد می‌گردد، مدیران، سیاستگذاران، تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان نظام آموزشی با نگاهی عمیق‌تر به تربیت باطنی و استفاده از ظرفیت‌های گسترده تربیت عرفانی، با بازنگری در اهداف و اصول تربیتی نظام آموزشی، در جهت تدوین نظام آموزشی همه‌جانبه‌نگر اقدام نمایند. پیشنهاد می‌شود از نگاه تک بعدی شناختی به آموزش دست برداشته شود و باید ابعاد گرایشی و عملی را نیز در تربیت تدارک کرد. یقین برای حرکت بسیار موثر است ولی همه این‌ها بشر تاب و تحمل یقین را ندارند، لذا باید اقناع را نیز به دایره تربیت- مان اضافه کنیم. و در اینجا خطابه‌ها موثرند. عشق و شور در برنامه‌های تربیتی ما جایگاهی ندارند چون با شبهه تلقین مواجه خواهیم شد. اما اساساً سیر حرکت عالم بر اساس حرکت حبی است. لذا باید شور و شعور را با هم در تربیت بکار برد. باید با برنامه‌ای کاملاً عملیاتی، دانش‌آموزان را به دین‌داری واقعی گرایش داد و کلاس‌های بینش اسلامی اثبات کرده‌اند باعث دینداری اکثریت دانش‌آموزان جامعه ما نخواهد شد. اگر اثبات شده‌است که دین باعث سعادت بشر

- ۱۰- شمشیری، بابک. «جهانی شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم، پست مدرنیسم و عرفان اسلامی» دانشور رفتار، سال پانزدهم، شماره ۳۰ شهریور ۱۳۸۷: ۵۳-۷۰
- ۱۱- زینالی خامنه، کاوه. «اصول و روش‌های تربیت عرفانی در اندیشه‌های امام خمینی(ره)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰.
- ۱۲- بهشتی، سعید، ناظر حسین آبادی، مسلم. «تبیین دیدگاه تربیت عرفانی بر مبنای حکمت سینوی» پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۰ شماره ۱۴ بهار ۱۳۹۱: ۹۵-۱۱۴
- ۱۳- قیصوری، سمیه. «نقش تربیتی نفس از دیدگاه علامه حسن‌زاده-آملی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات، دانشگاه الزهراء، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۵.
- 14-Cook .D. Teaching Islam, Teaching Islamic Mysticism. Retrieved from <https://www.oxfordscholarship.com>
- 15-Kandi. S. Characteristics of Mystical Experiences and Impact of Meditation. International Journal of Social Sciences - January 2013 - GITAM University. Retrieved from <https://www.researchgate.net>
- ۱۶- رفیعی محمدی، علی محمد. بیست اصل در تربیت، قم: انتشارات رسول اعظم، ۱۳۹۲.
- ۱۷- باقری، خسرو. درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۷.
- ۱۸- حسن‌زاده آملی، حسن. سدرۃ المنتهی فی تفسیر قرآن المصطفی، ج ۱، قم: الف.لام.میم، ۱۳۸۸.
- ۱۹- حسن‌زاده آملی، حسن. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، قم: الف.لام.میم، ۱۳۸۳.
- ۲۰- یزدان‌پناه، سیدیدالله. مبانی و اصول عرفان نظری، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹.
- ۲۱- امینی‌نژاد، علی. آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۹۳.
- ۲۲- حسن‌زاده آملی، حسن. هزار و یک کلمه، ج ۵، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- ۲۳- حسن‌زاده آملی، حسن. نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، قم: الف.لام.میم، ۱۳۸۵.
- ۲۴- حسن‌زاده آملی، حسن. طب و طبیب و تشریح، قم: الف.لام.میم، ۱۳۹۳.
- ۲۵- حسن‌زاده آملی، حسن. حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی، قم: الف.لام.میم، ۱۳۸۵.
- ۲۶- حسن‌زاده آملی، حسن. هزار و یک کلمه، ج ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- ۲۷- فلسفی، محمدتقی جوان از نظر عقل و احساسات ، جلد ۱ و ۲، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۲۸- دبس، موریس. چه می دانم؟ بلوغ، مترجم: صفاری، حسین، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۳۵.
- ۲۹- سلیمانی‌فر، ثریا بررسی شخصیت جوان از دیدگاه قرآن، حدیث و علم روانشناسی، تهران: انتشارات مکتوب، ۱۳۸۴.
- ۳۰- باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۹.
- ۳۱- بیچ، ریموند. ما و فرزندان ما، ترجمه: مهران، منیر، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۲۸.
- 32- Fowler, J. W. The psychology of human development and the quest for meaning. Newyork: Hayper Collins; 1995.
- ۳۳- حسن‌زاده آملی، حسن. دستور العمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک، قم: الف.لام.میم، ۱۳۹۲.
- ۳۴- اعرافی، علی‌رضا، بهشتی، محمد، فقیهی، علی‌نقی، ابوجعفری، مهدی. اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت، ۱۳۸۵
- ۳۵- حسن‌زاده آملی، حسن. صد کلمه در معرفت نفس، قم: الف.لام.میم، ۱۳۸۶.
- ۳۶- حسن‌زاده آملی، حسن. صد و ده اشاره، گردآورنده: بنک‌دار، حسنعلی، قم: الف.لام.میم، ۱۳۸۲.
- ۳۷- حسن‌زاده آملی، حسن. نهج الولاية، قم: الف.لام.میم، ۱۳۹۰.
- ۳۸- علم‌الهدی، جمیله. نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۳.
- ۳۹- حسن‌زاده آملی، حسن. الصحیفۃ الزبرجدیة فی کلمات سجادیة، قم: الف.لام.میم، ۱۳۹۵.
- ۴۰- حسن‌زاده آملی، حسن. وحدت از دیدگاه عارف و حکیم، قم: الف.لام.میم، ۱۳۸۳.